



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

برگه‌هایی از تاریخ روم

مادر امام زمان علیه السلام

سید کمال



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برگه‌هایی از تاریخ روم، مادر امام زمان (عج)

نویسنده:

سید کمال

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهاالسلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	برگه‌هایی از تاریخ روم، مادر امام زمان (عج)
۶	مشخصات کتاب
۶	یکی از جهات ارتباط میان امام مهدی و حضرت مسیح
۶	روایت تاجر بردگان (بشرین سلیمان نخاس)
۸	ذکر برخی مطالب مفید دیگر
۹	پاورقی
۹	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

برگه‌هایی از تاریخ روم، مادر امام زمان (عج)

مشخصات کتاب

نویسنده: سید کمال

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

یکی از جهات ارتباط میان امام مهدی و حضرت مسیح

میان امام مهدی (ع) و حضرت مسیح (ع)، از جهات متعددی ارتباط است. یکی از این موارد، مادر بزرگوار آن امام است. در روایتی از پیامبر (ص) این گونه آمده است: مهدی از فرزندان من است. صورتش مانند ماه منیر می‌درخشد. رنگ رخسارش عربی و قد و قامتش اسراییلی است. [۱]. در این حدیث، اشاره‌ای ضمنی هست که مهدی (ع) از مادرش، ویژگی‌های قد و قامت بنی اسرائیل را به ارث می‌برد. نگاه‌شده‌های امامیه، تأکید دارد که مادر امام مهدی (ع)، بانو «ملیکا» است که نام حقیقی‌اش را پنهان کرد و به اسم «نرجس» شناخته و خوانده شد. او یکی از شاهزادگان قصر امپراتوری قسطنطنیه در روم بود. در این قسمت از بحث، آن چه را استاد سعید ایوب در کتاب ارزش‌مندش «عقیده‌المسیح الدجال» نوشته و مربوط به موضوع است، بیان می‌کنیم: جبهه‌ای که رو در روی دجال و پیروان و مردان مرتدّ کلیسا می‌ایستد، اسلام است. فرمانده این جبهه، مهدی منتظر است. پیامبر می‌فرماید: «مهدی، همان من است». آیا صاحب این نام که در انجیل کنونی است، با نشانه‌هایی که برایش گفته‌اند، همخوان است؟ در سِتْفَر رُویا آمده است: «نام فرمانده‌ای که جنگ‌های آخر زمان را رهبری می‌کند، امین صادق است». [۲]. در منابع اسلامی است که شیوه مهدی، بدان گونه است که «پس از آن که زمین پراز ستم و جور شد، آن را پراز عدل و داد می‌کند». در عرض و همسنگ این نشانه‌ها [در مصادر اسلامی] در سِتْفَر رُویا است: «او، عادلانه حکم می‌کند و برای برقراری عدالت می‌جنگد». [۳]. در منابع اسلامی درباره اصل و نسب مهدی آمده است: «مهدی، از خاندان من، از فرزندان فاطمه است...». [۴]. در این باره، در سِتْفَر رُویا ذکر شده: «بانویی که نور خورشید و ماه وجودش را فرا گرفته است و پایین پا و بر سر او تاجی از دوازده ستاره است. بانو، پسری نیرومند زاییده که با قدرتی آهنین، تمامی ملت‌ها را سرپرستی می‌کند». [۵]. در تفسیر گفته‌اند: «او، بانویی فاضله و با وقار است و نسل [مهدی از او به وجود می‌آید]. [۶]. نسل این بانو، با مخاطرات و مشکلاتی مواجه می‌شود و نیروی‌های شیطانی با باقی‌مانده نسل او - که به سفارش‌های خداوند عمل می‌کنند - می‌جنگد. تاجی که بر سر بانو است، نشانه رهبری است و دوازده ستاره، نام‌های رسولان است. به نظرم اگر مهدی از فرزندان فاطمه، و آخرین رهبر باشد، طبیعی است که تمامی برادرانش، نزد اهل کتاب شناخته شده باشند. اینان، شاخ و برگ یک درخت‌اند که از بانوی آفتاب و مهتاب به بار آمده‌اند. [۷].

روایت تاجر بردگان (بشربن سلیمان نخاس)

روایتی در کتاب‌های معتبر امامیه در «کمال الدین» شیخ صدوق و «الغیبه» شیخ طوسی است که به مهم‌ترین مطالب آن اشاره می‌کنیم: بشربن سلیمان نخاس، از اصل و ریشه انصار مدینه و ساکن سامرا است. وی، همسایه امام هادی (ع) است و نزد ایشان، نیز مسائل فقهی تجارت بردگان را می‌آموخت. امام، مباشر خود «کافور» را هنگام پسین، به دنبال تاجر می‌فرستد. او در وقت مناسب حاضر می‌شود. امام، به وی مأموریت می‌دهد کنیزی را با مشخصات معین بخرد. روایاتی که به این موضوع اشاره دارد، می‌گوید، امام هادی کمی پس از پایان جنگ محلی بغداد (سال ۲۵۱-۲۵۲) دست به این اقدام زد. که احتمالاً، اقدام حضرت، میان سال‌های

۲۵۳-۲۵۴ هجری است؛ یعنی، هنگامی که بغداد فعالیت عادی‌اش را پس از جنگ خانمان برانداز داخلی، از سر گرفت. خرید کنیز، در جایی نزدیک «معبّر الصراة» که نه‌ری منشعب از دجله در بغداد است، انجام شد. دخترک داستان هیجان انگیزش را برای «نخاس» چنین بازگو می‌کند: نام حقیقی اش، «ملیکه» دختر یسوعا فرزند قیصر روم است و مادرش از نسل حواریون و مشخصاً از نسل شمعون، (وصی مسیح) است. جدش می‌خواست او را به ازدواج یکی از شاهزادگان و امیران قصر در آورد که پیشامدی مانع آن شد. دخترک، در رؤیای شگفتی می‌بیند که پیامبر عرب، (محمد (ص)) او را نامزد یکی از فرزندانش از نسل مسیح می‌کند. به سبب این رؤیای هیجان‌آمیز و علاقه‌اش به جوان سبزه‌ای که نامزد وی شده، دچار تب می‌شود، او، دختری عاقل و آگاه است که زبان عربی می‌داند و با اسیران مسلمان، مهربان و خوش‌رفتار است. دختر، برای سفر به بغداد نقشه می‌کشد. وی، در جنگ شرکت می‌کند و جزء اسیران می‌شود. این است آن چه اتفاق افتاده. وقتی نامش را پرسیدند، گفت: «نرجس است». این، نام کنیزان بود، و این گونه به بازار کنیزان - که آن زمان رواج داشت - برده شد. در این قسمت، برخی از تفصیلات و توضیحات را درباره جبهه نبرد شمالی و شمالی - شرقی، جایی که ارتش اسلام و روم به کشمکش و نبرد پرداخته‌اند، ذکر می‌کنیم. می‌توان مجموعه هجوم‌ها و نبردها را از هنگام فتح «عموریه» پی گرفت که به شکل سختی، در زمان امپراتریس تئودورا، در آمد. وی نایب السلطنه فرزند کوچکش، «میخائیل سوم» بود. ما، بحث را بر درگیری‌های سال‌های ۲۴۹-۲۵۳ که در تاریخ اسلامی و رومی ثبت است، متمرکز می‌کنیم. در سال ۲۵۳ هجری (۸۶۷ میلادی) حادثه مهمی رخ داد که از دیگر حوادث روشن‌تر است. کودتای «باسیلیوس» با تلاشی سرنوشت‌ساز و انقلابی پیش آمد که حکومت خاندان عموریه را برانداخت و خاندان جدید مقدونیه را بر سر کار آورد. این صفحات را از تاریخ روم می‌خوانیم. این چنین به «نیکفوروس اول» (۸۰۲-۸۱۱) و جنگش با هارون الرشید بر می‌خوریم و میخائیل اول (۸۱۱-۸۱۳) که به سبب شکست از بلغارها، تخت و تاجش سرنگون شد و سرش را تراشیدند و به زمره راهبان در آوردند، و لئوی پنجم، مشهور به «ارمنی» (۸۱۳-۸۲۰) که بار دیگر تمثال پرستی را قدغن کرد و در حالی که در کلیسا به ترنم سرودی مشغول بود، ترور شد و میخائیل دوم (۸۲۰-۸۲۹) امپراتوری الکن بی‌سوادی که عاشق راهبه‌ای شد و مجلس سنا را واداشت از وی خواهش کند که آن زن را به ازدواج درآورد، و تئوفیلوس (۸۲۹-۸۴۲) مصلح قوانین و سردار سازندگی و مدیر با وجدانی که شیوه تمثال‌شکنی را زنده گرداند و بر اثر ابتلا به اسهال خونی در گذشت و بیوه‌اش «تئودورا» که به عنوان نایب‌السلطنه‌ای توانا بر شهرها حکومت می‌کرد (۸۴۲-۸۵۶) به آزار و اذیت مردم پایان داد، و میخائیل سوم، ملقب به دائم‌الخمر (۸۴۲-۸۶۷) که بر اثر بی‌کفایتی مقرون به مهربانی، امور حکومت را ابتدا به مادرش سپرد و چون وی مرد، به دایی [۸] فاضل و لایقش سزار بارداس واگذار کرد. [۹] آن گاه ناگهان مردی بی‌مانند، غیر منتظرانه، بر صفحه ظاهر شد و به هر چیزی که از پیشینیان مانده بود، به جز خشونت، پشت پا زد و سلسله نیرومند مقدونیان را بنیاد افکند. باسیلیوس اول مقدونی در نزدیکی شهر آدریانوپل در دامان یک خانواده برزگر ارمنی، قدم به عرصه وجود نهاد (سال ۸۶۲). هنگام کودکی به دست بلغارها اسیر شد و ایام جوانی اش را در آن سوی دانوب، یعنی خطه‌ای که در آن زمان به مقدونیه شهرت داشت، در میان بلغارها گذراند. در بیست و پنج سالگی گریخت و رو به قسطنطنیه نهاد. سر بزرگ و نیروی جسمانی وی نظر مردی را که به خدمت سیاسی اشتغال داشت، جلب کرد. به همین سبب وی باسیلیوس را به مهتری خود اجیر کرد. باسیلیوس، به اتفاق ولی نعمت خویش - که مأمور یونان شده بود - به آن سرزمین رفت و در آن جا نظر زن بیوه‌ای به اسم دانیلیس، و نیز اندکی از ثروت او را به خود جلب کرد. چون به پایتخت بازگشت، اسب سرکشی را برای میخائیل سوم رام کرد، پس به خدمت امپراتور اجیر شد، و هر چند مردی کاملاً عامی بود، به مقام ریاست تشریفات دربار ارتقاء یافت. باسیلیوس، همیشه مناسب و شایسته بود و هر کار را بدو می‌سپردند، به خوبی از پس آن بر می‌آمد و به شتاب آن را انجام می‌داد. وقتی میخائیل در صدد پیدا کردن شوهری برای همخوابه خویش بر آمد، باسیلیوس زن دهاتی خویش را طلاق گفت و او را با مهریه هنگفتی به تراکیا فرستاد و ائودوکیا، همخوابه امپراتور را به ازدواج درآورد، و آن زن همچنان به خدمت به امپراتور ادامه داد.

میخائیل، همخوابه‌ای برای باسیلیوس معین کرد، اما باسیلیوس مقدونی فکر می‌کرد که پاداش عمل وی تاج و تخت است. وی میخائیل را قانع ساخت که دایی‌اش (سزار بارداس) مشغول توطئه برای خلع او است، و سپس بارداس را با دست‌های بسیار بزرگ خود خفه کرد (۸۶۶). میخائیل سوم، که سال‌های دراز عادت کرده بود سلطنت کند، نه حکومت، اینک باسیلیوس را در امپراتوری شریک خود کرد و تمامی امور حکومت را به دست وی سپرد. هنگامی که میخائیل او را به کنار گذاشتن تهدید کرد، باسیلیوس، نقشه قتل میخائیل را کشید و خودش در این امر نظارت کرد و سرانجام بدون رقیب، امپراتور شد (۸۶۷). [۱۰].

ذکر برخی مطالب مفید دیگر

«توفیلوس» در ۲۲۷ هجری (۸۴۱ میلادی)، همان سالی که معتصم عباسی مُرد، در گذشت. وی، در عموریه که در ۲۲۳ هجری (۸۳۷ میلادی) به دست لشکر اسلام افتاد، زاده شد. فرزند کوچکش، میخائیل سوم، شش سال حکمرانی کرد و شورای نائب السلطنه را به سرپرستی مادرش «تئودورا» و دایی‌اش قیصر بارداس تشکیل داد. مادرش، چهارده سال به تنهایی حکومت کرد و جنگ‌های سختی ضد دولت اسلامی، در این مدت به راه انداخت و دوازده هزار اسیر مسلمان را هولناک به قتل رساند. [۱۱] در ۸۵۶ میلادی، برادرش (قیصر بارداس) وی را کت بسته، مجبور به اقامت در دیری کرد. تاریخ سال درگذشت وی را ۸۶۷ م. ذکر می‌کند، سالی که کودتای نظامی به رهبری باسیلیوس رخ داد. تاریخ روم مختصری از اخلاق و رفتار وی را ذکر کرده است. آیا مرگ تئودورا در همین سال، طبیعی و به طور اتفاقی بوده است؟! بارداس، پس از دستگیری و اقامت اجباری خواهرش در دیر، حاکم امپراتوری شد و قیصر گردید. نباید فراموش کرد که تاریخ از وی با این لقب یاد می‌کند. می‌توان این اطلاعات و محتوای سخنان بانو نرجس را باهم تطبیق داد. [۱۲] وجود شخصیتی به نام قیصر بارداس که امپراتور کشور باشد، در گزارش بانو، به روشنی بیان می‌شود. در سال ۸۶۷ میلادی (۲۵۳ هجری) باسیلیوس مقدونی، قیصر بارداس را می‌کشد، سپس میخائیل سوم را به قتل می‌رساند و خود را امپراتور جدید اعلام می‌کند و به حکومت خاندان عموریه پایان می‌دهد. آن گونه که در تاریخ ثبت است، باسیلیوس، شخصی بی سواد و خشن و خون آشام بود. تار و مار شدن خاندان عموریه، گزارش فرار و آوارگی شاهزادگان قصر را تقویت می‌کند. پیدایش بانو نرجس در سال کودتای نظامی و به هنگامی که برخوردهای آسیب‌زا رخ می‌نماید و گزارش «بشرین سلیمان نخاس» بدان اشاره می‌کند، نیز آشنایی امام حسن عسکری (ع) با کنیزی در منزل عمه‌اش، شاهد و گواه ادعای بانو نرجس است که از بانوان و شاهزادگان قصر می‌باشد و دست سرنوشت، او را به بغداد رسانده است. داستان امام مهدی (ع) عادی نیست، بلکه به اقتضای ادبیات این مسئله، خلاصه داستان پیامبران، با تمامی معجزات و شورانگیزی آن است. احادیث بسیاری به همانندی امام مهدی و گروهی از انبیا اشاره دارد. رؤیای بانو نرجس را با قصه‌های بسیار جالبی که در قرآن آمده و رؤیا، رکن مهم آن است، می‌توان مقایسه کرد، که گویا تر از سوره یوسف وجود ندارد و رؤیا، نقطه محوری تمام قصه بوده است. داستان، با رؤیایی از ستارگان شروع می‌شود و با تفسیر و تعبیر آن پایان می‌پذیرد و در میان رؤیا، خواب پادشاه بازگو می‌شود که وضع را جالب‌تر می‌کند. اگر رؤیای بانو نرجس، در فضای کلی چهارچوب حرکت الهی رسالت قرار گیرد، روشن می‌شود که بسیار همخوانی و انسجام دارد. قرآن کریم، پر از شواهد درخشان در این باره است. موسی (ع) در وضعی هیجان آور به دنیا آمد و زیست و رشد کرد - که از شرح آن بی نیازیم - و بانو مریم با لطف الهی به دنیا آمد و فرزندش عیسی (ع) با معجزه‌ای در آفرینش زیر شاخه درخت، زاده شد و سرورمان محمد (ص) زاده دو ذبیح (ابن الذبیحین) است؛ زیرا، میان اسماعیل و ذبحش، لحظاتی فاصله نبود که آسمان گشوده شد. نزدیک بود پدر پیامبر (ص) ذبح شود و خود پیامبر (ص) در هنگام هجرت به قتل برسد، در حالی که میان او و شمشیرهای قریش، جز چند تار عنکبوت نبود. پیش‌تر، ابراهیم (پدر پیامبران) در دل آتش افتاد، اما خدا آن را سرد و سلامت کرد و خدا خواست ملیکه یا نرجس، مادر مصلح جهان شود... خداوند از وی مردی را که نرجس بدو رغبت و میلی نداشت، راند و

شوهری دیگر در زمان دیگر تقدیر وی کرد. خدا می‌خواست در حوادث کودتای نظامی که قربانیان آن، خاندانِ حاکمه عموریّه بودند، وی از کشتن نجات یابد و در سفری هیجان آور - که تفصیلش را نمی‌دانیم - به بغداد، و سپس به سامرا برسد. امام هادی (ع) برای فرزندش، دختری خردمند از سلاله حواریون را برگزید، اما می‌بایست فرزند موعود، دایی‌های نداشته باشد که سراغ وی را بگیرند، از این رو، دختر، مانند هر کنیز بیگانه دیگری، در هاله‌ای از گمنامی می‌زیست، گرچه وی - همچنان که در روایت گفته‌اند - سیده‌الائماء (خاتون کنیزکان) بود.

پاورقی

- [۱] البیان، گنجی، ص ۱۱۸.
- [۲] سفر رؤیا، ۱۹/۱۱، کتاب حیات، چ ۱۹۸۲.
- [۳] همان.
- [۴] سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۶۸.
- [۵] سفر رؤیا، ۵/۱۲، (کتاب مقدس، چ ۱۹۸۳).
- [۶] یوم الدین، استیفنس، ص ۸۷ و ۱۰۹؛ تفسیر الرؤیا، ص ۲۷۷؛ آخرالساعة، جین داکسون، ۱۹۸۴.
- [۷] سعید ایوب، عقیده‌المسیح الدجال، ص ۹۸-۱۰۱.
- [۸] در متن عربی، «عم» (عمو) آمده که درست آن، «دایی» است، به دلیل چند سطر بعد.
- [۹] در تاریخ طبری، در حوادث سال ۲۴۶ است: نصر بن الازهر شیعی، (فرستاده متوکل به روم برای پرداخت فدیة به منظور آزاد کردن اسیران) می‌گوید: «وقتی به قسطنطنیه رسیدم، با همان لباس و شمشیر و خنجر و کلاهی که داشتم، به سرای قیصر میخائیل رفتم. بین من و دایی قیصر که سرپرست وی بود، مناظره‌ای در گرفت.»
- [۱۰] تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴ (عصرایمان) ص ۵۵۰ - ۵۵۱ (فصل ۱۸).
- [۱۱] شاید همین رخداد هول ناک، قیصر بارداس را واداشت چند ماه بعد، خواهرش را زندانی کند. طبری، در حوادث سال ۲۴۱ هجری فاجعه کشتار اسیران را ذکر کرده است.
- [۱۲] مستشرق «دونالدسون»، بعید می‌داند یکی از شاهزادگان روم دختر یشوع فرزند امپراتور روم همسر امام حسن عسکری باشد، او، معتقد است که این قصه از هر حیث برای تأکید بر پاکی اصل و نسب امام مهدی (ع) بافته شد، اما همین مستشرق بعید نمی‌داند شاهزاده رومی در میان اسیران جنگی، از جبهه امپراتوری بیزانس باشد که پس از فروش در بازار نخاسه، به عنوان کنیز به خانواده مسلمان والایی رفت. (موسوعه العتبات المقدسه: سامرا، ص ۲۷۶). نگاهشته‌های شیعی در شرح حال مادران امامان که اغلب کنیز بودند، مطلب فوق را جز برای امام سجاد (ع) و امام مهدی (ع) گزارش نکرده است. مادر امام زین العابدین (ع)، شهربانو دختر یزدگرد، آخرین کسرای ایران، و مادر امام مهدی (ع)، شاهزاده‌ای رومی بود. نوشته‌های شیعی بر آن نبوده که ائمه را با اصل و نسب‌های ساختگی به شرافت و بزرگی برساند!

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

